

**محسن تاجیک‌نژاد**

خبرنگار

وقوع انقلاب اسلامی ایران در بهمن‌ماه ۵۷ به اندازه‌ای در جهان بزرگ ویر سرورسودا بود که به سوژه‌ای مهم برای فیلسوفان، اندیشمندان و جامعه‌شناسان غرب و شرق تبدیل بشود؛ چنانکه این سوژه چه در حین وقوع آن در اواخر دهه ۷۰ از قرن بیستم میلادی و چه پس از آن مورد ارزیابی جامعه‌شناسان و اندیشمندان داخلی و خارجی قرار گرفته است. میشل فوکو، اندیشمند فرانسوی یکی از چهره‌هایی است که نظریات و دیدگاه‌های او پیرامون انقلاب ایران هم در روزهای پاییزی سال ۵۷ و هم بعد از سقوط نظام پادشاهی و استقرار جمهوری اسلامی به‌شدت در میان اندیشمندان غربی چالشی بوده است. این فیلسوف و نظریه‌پرداز در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در دو مقطع زمانی (۲۵ شهریور ۲۲ مهر ۵۷ و ۱۸ تا ۲۴ آبان ۵۷) به ایران سفر و در تهران، قم و آبادان با برخی چهره‌های مذهبی و ملی و گروه‌های مختلفی که در حال مبارزه با شاه بودند، ملاقات کرد. فوکو مجموعه مشاهدات خود از ایران در این مقطع زمانی را در ۸ یادداشت و در روزنامه ایتالیایی «کوریه دالاسرا» منتشر کرد؛ مجموعه یادداشت‌هایی که در ایران و توسط حسین مصوم‌ی همدانی ترجمه و با عنوان «ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟» چاپ شده است. در کنار این یادداشت‌ها، گفت‌وگوی میشل فوکو با «کلربی یر» و «پی یر بلاتشه» خبرنگاران روزنامه فرانسوی «لیبراسیون» با عنوان «روح یک جهان بی‌روح» که به‌صورت اختصاصی به تحولات ایران درحال وقوع انقلاب می‌پردازد، از دیگر نوشته‌های مهم فوکو درباره انقلاب اسلامی پیش از وقوع آن است. رویکرد حمایت‌گرایانه میشل فوکو از انقلاب مردم ایران و خواست و اراده سیاسی ایرانی‌ها برای سرنگونی نظام سلطنتی و ارزیابی مثبت وی از دخیل کردن معنویت و رویکرد دینی مردم ایران برای نیل به این اراده سیاسی باعث ایجاد همه‌های گسترده‌ای علیه فوکو در میان اندیشمندان و فیلسوفان غربی شد. این همه‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام سیاسی جدید در ایران نیز تداوم و استمرار پیدا کرد. با این حال مواضع فوکو نسبت به انقلاب ایران پس از استقرار جمهوری اسلامی به همان اندازه پیش از وقوع انقلاب حمایت‌گرایانه نیست و فوکو در پاره‌ای از موارد به انتقاد از عملکرد نظام تازه‌تأسیس در ایران نسبت به مواجهه با نیروها و چهره‌های شاخص نظام سابق به‌ویژه ماجرای برگزاری دادگاه‌های انقلاب می‌پردازد. نامه سرگشاده میشل فوکو به مهندس بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت و مقاله وی تحت عنوان «طغیان بی‌حاصل» در اردیبهشت‌ماه ۵۸ در روزنامه «لوموند» فرانسه نیز در همین زمینه قابل ارزیابی و بررسی است. در ادامه این گزارش به‌واسطه اهمیت جایگاه و شخصیت میشل فوکو در میان اندیشمندان غربی، سعی داریم آرا و افکار او پیرامون انقلاب اسلامی را پیش و پس از وقوع بازخوانی و به چرایی تغییر مواضع وی پس از استقرار جمهوری اسلامی بپردازیم.

### ارزیابی فوکو از انقلاب ایران پیش از سقوط شاه

میشل فوکو رویدادهای یک سال منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را یک «اراده مطلقاً جمعی» می‌داند و معتقد است کمتر مردمی در طول تاریخ چنین شانس و اقبالی را برای دستیابی به این اراده جمعی داشته‌اند: «اراده جمعی یک ابزار نظری است. اراده جمعی را هرگز کسی ندیده است و خود من فکر می‌کردم که اراده جمعی مثل خدا یا روح است و هرگز کسی نمی‌تواند با آن رویه‌رو شود، اما ما در تهران و سرتاسر ایران با اراده جمعی یک ملت برخورد کرده‌ایم و خوب باید به آن احترام بگذاریم؛ چون چنین چیزی همیشه روی نمی‌دهد. وانگهی، یک مقصود و هدف و تنها یک هدف به این اراده جمعی داده شده است، یعنی رفتن شاه.» از نظر فوکو «عرق ملی» و «مذهب و معنویت» دو مولفه بسیار مهم در ایجاد این اراده جمعی است. فوکو درباره میزان عرق ملی ایرانیان و تبدیل آن به یک اراده برای طرد شاه می‌نویسد: «در ایران عرق ملی بی‌نهایت قوی بوده است. سرباز زن از اطاعت از بیگانگان، بی‌بزاری از چپاول منابع ملی، عدم‌پذیرش سیاست وابستگی به خارج و دخالت همه جا آشکار آمریکایی‌ها همه و همه عوامل تعیین‌کننده‌ای بودند تا شاه یک دست‌نشانده غرب به‌شمار آید.» از سوی دیگر فوکو انقلاب شکل گرفته شده در ایران را نوعی از مبارزه طبقاتی علیه رژیم شاه می‌داند که به دلیل سیطره دین و مذهب در میان مردم و جایگاهی که نسبت به قدرت سیاسی حاکم داشته، تمامی تضادهای موجود میان مردم و مبارزان را پوشش می‌دهد و همه را در ذیل وحدتی مقدس قرار می‌دهد. از نگاه فوکو این مذهب بوده که لایه‌های مردمی را بسیج می‌کند و از هزاران ناخرسندی، نفرت، بینوایی و سرخوردگی، یک نیرو پدید می‌آورد که خودش یک صورت بیان است و یا گفت و شنود است؛ چیزی که از راه آن می‌توان صدای خود را به گوش دیگران رساند و با آنها هم‌زمان هم‌خواست شد. او معتقد است در تظاهرات‌های ضدپهلوی رابطه‌ای میان کنش‌های جمعی

آیین مذهبی و بیان حقوق عمومی مردم وجود دارد و اوانام این کنش را «کنش سلب حق از پادشاه» می‌نامد. فوکو می‌گوید ایرانی‌ها برای تغییر در نظام سیاسی سلطنت پهلوی و براندازی نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی وابسته به آن، در ابتدا به‌دنبال تغییر در خود بودند: «ایرانیان با قیام‌شان به خود گفتند و این شاید روح قیام‌شان باشد: ما به‌طور قطع باید این رژیم را تغییر دهیم و از دست این آدم خلاص شویم؛ باید کارکنان فاسد را تغییر دهیم، ما باید همه چیز را در کشور اعم از تشکیلات سیاسی نظام اقتصادی و سیاست‌ خارجی تغییر دهیم اما به‌ویژه باید خودمان را تغییر دهیم؛ باید شیوه بودن مان و رابطه‌مان با دیگران، با ابدیت، با خدا و غیره کاملاً تغییر کند و تنها در صورت این تغییر ریشه‌ای در تجربه‌مان است که انقلاب‌مان، انقلابی واقعی خواهد بود.» او جایگاه دین در قیام و انقلاب ایران را دقیقاً در همین نقطه تعریف می‌کند و این جذابیت تغییر از درون را معلول دستورات اسلام می‌داند و می‌نویسد: «مذهب برای آنان [ایرانی‌ها] نوید و تضمین وسیله‌ای برای تغییر ریشه‌ای ذهنیت سوپرتکنیوتنه‌شان است. تشیع دقیقاً شکلی از اسلام است که با تعلیم و محتوای باطنی خود میان اطاعت صرف بیرونی و زندگی عمیق معنوی تمایز قائل می‌شود؛ همیشه از مارکس و افیون مردم نقل‌قول می‌آورد. اما جمله‌ای که درست‌پیش از آن جمله وجود دارد و هرگز نقل نمی‌شود، می‌گوید که مذهب، روح یک جهان بی‌روح است. پس باید گفت که اسلام در سال ۱۹۷۸ افیون مردم نبوده است، دقیقاً از آن‌رو که روح یک جهان بی‌روح بوده است.» شاید به همین خاطر است که فوکو از عنصر «معنویت» در انقلاب ایران می‌گوید و از دخالت آن در امر سیاست تمجید می‌کند. او برخلاف اندیشمندان غربی، معنویت را در جنبش انقلابی مردم ایران به‌مثابه پرورشگاه، جلوه‌ها و خمیرمایه زندگی سیاسی توصیف می‌کند و علی‌شرعی‌ت را یکی از مصادیق ترویج آن می‌داند: «[شریعتی] آموزش می‌داد که معنی واقعی تشیع را نه در مذهبی که از قرن یازدهم هجری رسمیت یافته، بلکه در درس و عدالت و مساوات اجتماعی‌ای که از امام اول [شیعیان] می‌توان گرفت، باید سراغ کرد.»

فوکو در گوشه‌وکنار تحلیل‌های خود گریزی به مقایسه‌های صورت‌گرفته میان انقلاب ایران و برخی دیگر از انقلاب‌ها از جمله انقلاب چین می‌زند. او متفاوت بودن این دو انقلاب را این‌گونه روایت می‌کند: «انقلاب فرهنگی چین مبارزه‌ای بود میان برخی عناصر ملت با برخی دیگر، میان برخی عناصر حزب با برخی عناصر دیگر، با میان مردم و حزب… اما آنچه در ایران مرا شگفت‌زده کرده این است که مبارزه‌ای میان عناصر متفاوت وجود ندارد. آنچه به‌همه اینها زیبایی و در عین حال اهمیت می‌بخشد این است که فقط یک رویارویی وجود دارد؛ در یک سو کل اراده مردم و در سوی دیگر مسلسل‌ها، مردم تظاهرات می‌کنند و تانک‌ها از راه می‌رسند.» فوکو حتی مقایسه ایران و اسپانیا را هم به‌واسطه شکست توسعه اقتصادی مدنظر شاه غلط می‌داند و می‌نویسد: «شکست توسعه اقتصادی نگذاشته است که در ایران پایگاه اجتماعی رژیمی لیبرال مدرن و غربی منش به وجود بیاید. به جای آن یک فشار مردمی به وجود آمده که منفرج شده است؛ حزب‌های سیاسی‌ای را که داشت تشکیل می‌شد، به هم ریخته و در برابر ارزشی‌ها و تانک‌ها نیم میلیون نفر را به خیابان‌های تهران سرازیر کرده است.» فوکو با وجود

# راهبرد

شنبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

## ۱۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶

شبه ۸ بهمن ۱۳۴۱ شماره ۳۷۹۶